

ازدواج در اولویت نیست

مدت‌هاست که بحث ازدواج جوانان در مهمانی‌های خانوادگی دیگر داغ نیست.



مدت‌هاست که بحث ازدواج جوانان در مهمانی‌های خانوادگی دیگر داغ نیست. برخی خانواده‌ها این موضوع را به عهده خود جوانان گذاشته‌اند و برخی دیگر سعی می‌کنند جوانان را درک کنند و برخی دیگر تنها هرازگاهی آرزوی قلبی خود را از ازدواج فرزندان‌شان به نجوا به گوش فرزندان خود می‌خوانند. گفت‌وگوها در این باره عمدتاً حول محور مشکلات اقتصادی جوانان و دلایل عدم تمایل آنان به ازدواج دور می‌زند. می‌گویند که تقصیر جوانان نیست. جوانان به سختی می‌توانند از پس هزینه‌های روزمره‌شان بربیایند و واگذاری مسئولیت یک خانواده برعهده‌شان خیلی منصفانه نیست. حتی برخی خانواده‌ها با وجود این که متمول هستند معتقدند ازدواج در سنین جوانی برای افراد سختی به دنبال دارد نیز می‌گویند حیف جوانی نیست که صرف دنبال خانه گشتن و فکر کرایه خانه بودن و پول لباس بچه فراهم کردن و غیره شود.

به گزارش **سلامت نیوز** به نقل از روزنامه آرمان؛ این‌ها همه اگر نشان‌دهنده تغییر تمایل جامعه ایرانی نسبت به ازدواج نباشد، قطعاً می‌تواند نمایانگر تغییر تمایل به نفع ازدواج در سنین بالاتر باشد. آمارهای رسمی نشان می‌دهند بر اساس نتایج سرشماری سال 90، آستانه مجرد قطعی مردان کشور در سال 1390 در گروه سنی 40-44 و در زنان 45-49 قرار دارد. همچنین سهم زنان 15-19 سال ازدواج کرده (پیش‌رسی ازدواج) در سال 1390، 21/4 درصد بوده است. به علاوه، میانگین سن در اولین ازدواج کشور در بین مردان پس از روندی کاهشی تا سال 1365 در دهه اخیر افزایش داشته و از 23/8 درصد در سال 1365 به 26/5 درصد در سال 1390 افزایش یافته است. در مقابل، میانگین سن ازدواج زنان همواره روندی افزایشی داشته و از 19 سال به رقم 23/5 درصد رسیده است و نهایتاً میانگین سن ازدواج بر اساس نتایج سرشماری 1390 در سطح استان‌های کشور از الگوی متفاوتی تبعیت می‌کند. این آمارها و ارقام مربوط به رده سنی عدم تمایل افراد به ازدواج زودرس یا در سنین جوانی را نشان می‌دهند.

آمارها کافی و کامل نیست

در این باره یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس به آرمان می‌گوید: شاخص‌های چنین آمارهایی کافی و کامل نیست. ما در بحث‌های آماری و اجتماعی اصطلاحی داریم به عنوان سن یاس ازدواج. این سن برای زنان غالباً 29 سال تصور می‌شود. اما در نظام اجتماعی ایران، به این دلیل که مردان برای ازدواج اقدام می‌کنند و به خواستگاری می‌روند، بنابراین بحث سن مجرد قطعی برای مردان فاقد اعتبار است. زیرا مردان تا زمان مرگ نیز امکان ازدواج کردن را دارند. بنابراین این آمارها چندان واقعی و قابل اتکا نیستند. اما ثبت احوال خبرهایی مبنی بر بالا رفتن سن ازدواج دارد. بنابراین احتمال افزایش تعداد زنانی که به سن یاس ازدواج رسیده‌اند بالا می‌رود. سیدامیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی ادامه می‌دهد: این موضوع آثار اجتماعی شدیدی دارد. برای مثال مردان بالای 29 سال با زنان زیر 29 سال ازدواج می‌کنند و بنابراین مردان زیر 29 سال زنان هم‌سن و سال خودشان یا کم‌سن و سال‌تر از خودشان را برای ازدواج از دست می‌دهند و همین موضوع مانند یک چرخه بسته به بالاتر رفتن مدام سن ازدواج در مردان کمک می‌کند.

او همچنین درباره علل این بالا رفتن سن ازدواج می‌گوید: اصلی‌ترین عامل مربوط به مسائل فرهنگی است. قبلاً اولویت اول جامعه ازدواج بود. ولی در حال حاضر اولویت‌های تحصیل، شغل و امکانات مالی اولیه پیش از ازدواج قرار دارند. یعنی افراد اول سعی می‌کنند اولویت‌های قبلی را پوشش دهند و بعد به سراغ ازدواج بیایند. همچنین این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس درباره ارتباط بین شرایط اقتصادی و تمایل برای ازدواج می‌گوید: اوضاع اقتصادی چندان تاثیرگذار نیست. در جوامع روستایی شرایط اقتصادی سخت‌تر از جوامع شهری است، اما هم سن ازدواج پایین‌تر است و هم تعداد فرزندان بیشتر. به نظر می‌رسد که تحصیلات و طبقه اجتماعی تاثیر منفی بر تمایل جوانان به ازدواج داشته‌اند و هر چه میزان تحصیلات و سطح رفاه افراد بیشتر شده است، تمایل آنها برای ازدواج کمتر شده است.

توجیهی برای ازدواج ندارم

زمانی که پای صحبت جوانان می‌نشینیم، دلایل مختلفی را مطرح می‌کنند. از وضعیت بیکاری و عدم امنیت شغلی گرفته تا مسائل اجتماعی پیچیده‌ای که به نظر نمی‌رسد گره آنها به این سادگی‌ها باز شود. م. ق. یکی از این جوان‌هاست. سی و یک سال

سن دارد. درباره عدم تمایلش به ازدواج می‌گوید: فعلاً توجیهی برای ازدواج ندارم. نوع نگاه من به زندگی به‌گونه‌ای است که سعی می‌کنم استقلال خود را حفظ کنم. منظورم این است که اگر ازدواج کنم حتماً مجبورم به روابط خویشاوندی ادامه دهم. درحالی که در تمام این سال‌ها سعی کرده‌ام که با کسب استقلال از این روابط دور باشم. او ادامه می‌دهد: همینطور اگر ازدواج کنم از من انتظارات خاصی خواهند داشت. درحالی که من اینطور زندگی کردن را دوست ندارم. او می‌افزاید: همچنین بحث امکانات برای تشکیل زندگی زناشویی هم بسیار مهم و تاثیرگذار است. من وقتی هنوز خانه مستقل، درآمد کافی با ثبات و از همه مهم‌تر امنیت شغلی و اقتصادی لازم را ندارم، نمی‌توانم به فکر ازدواج باشم. او ضمن تاکید بر میزان اهمیت ازدواج‌های ناموفق بر تغییر دید او بر زندگی می‌گوید: 90 درصد ازدواج‌هایی که من در اطراف خودم دیده‌ام یا منجر به طلاق شده یا افراد در آن به شدت رنج می‌کشند و این از همه چیز برای من مهم‌تر بوده است و تمایلم را به ازدواج کم کرده است. باید بگویم که به نوعی از ازدواج ناموفق می‌ترسم.

نبود موقعیت امن اقتصادی و اجتماعی

ج.ف نیز 29 سال دارد. او درباره دلایل عدم تمایل به ازدواج خود می‌گوید: من موقعیت امن اجتماعی و اقتصادی ندارم. یعنی من هیچ پشتوانه‌ای برای ازدواج ندارم که بر اساسش گام‌های بعدی را بردارم. وضعیت حال و چشم‌اندازم برای آینده چندان مثبت نیست و این مغایر با ملاک‌های تصمیم عقلانی است. او همچنین می‌افزاید: در جامعه ما تصمیم‌ها بر اساس عقلانیت نیست. من یکبار قصد جدی برای ازدواج داشتم، اما شرایط سخت و فشارهای مختلف باعث شد که فرد مقابلم بر اساس احساسات تصمیم بگیرد و همین ازدواج را برای من به تعویق انداخت. یعنی در جامعه ما کنش‌ها در شرایط سخت و اگراییانه است و منجر به جدایی افراد می‌شود. ب.ر نیز دختر جوان 26 ساله‌ای است که عدم تمایل خود به ازدواج را در مراسم‌های دست و پاگیری می‌داند که پس از ازدواج استقلال افراد و به‌خصوص زنان را کم می‌کند. او ضمن اشاره به قوانین مربوط به طلاق و حق حضانت فرزند و سایر حقوق اقتصادی و فرهنگی زنان پس از ازدواج می‌گوید: من مدت‌ها سعی کرده‌ام که به استقلال مالی و اجتماعی برسم، ازدواج برایم راه را از اول طی کردن است. بنابراین هرچند از قدیم گفته‌اند که شتری است که دم در هر خانه‌ای می‌نشیند اما، به نظر نمی‌رسد که در جامعه ما چندان تمایلی برای پذیرفتن ازدواج باشد؛ دست‌کم میان جوانان.